

تاملی در باب اهمیت حفظ زبان فارسی

من نگران زبان فارسی ام

واحد ولایت گروه فرهنگی یاران خمینی^(د)

۱- هویت به معنی «چه کسی بودن» است و در قالب فردی و ملی قابل تعریف است.

هویت در واقع، پاسخ‌گویی آگاهانه ی هر فرد یا ملت به پرسش هایی از چیستی و کیستی خویش است.از گذشته و این که چه کسی بوده و متعلق به کدام گروه قومی، ملی، مذهبی و نژادی است؟ دارای چه فرهنگ و تمدنی بوده و امروز صاحب چه جایگاه و منزلت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است؟

به تعبیر دیگر، هویت، مجموعه خصایل و مشخصاتی است که «ما» را از «دیگران» مشخص و متمایز می‌سازد.

«هر مجموعه‌ی انسانی به یک هویت جمعی احتیاج دارد و باید احساس اجتماع و بستگی و هویت جمعی کند.» «آنچه مهم است، حفظ هویت جمعی یک ملت یا یک مجموعه‌ی انسانی است.»

۲- ریشه‌های تاریخی، مذهبی، ادبی، زبانی و قومی بر هویت فرد تأثیر گذار بوده و او را می‌تواند سرخورده یا سرافراز سازد.

اگر گذشته و تاریخ و ادبیات و زبان و قومیت از یک فرد گرفته شود او دیگر هیچ چیز با ارزشی نخواهد داشت تا به آن ببالد و اگر اینچنین شد زمینه های پذیرش فرهنگ های دیگر را خواهد یافت.

۳- «زبان» یکی از ارکان مهمّ هویت ملی است. به همین دلیل قدرت های غربی در تهاجم به فرهنگ های مختلف، همزمان دو موضوع را دنبال می‌کنند:

(الف) از بین بردن زبان رقیب.

(ب) تحمیل ارزش های مورد نظر خود از طریق گسترش زبان های خود.

به عنوان مثال : «هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند. در شبه‌قاره‌ی هند، زبان فارسی چند قرن زبان رسمی بود؛ تمام نوشتجات، مکاتبات دستگاههای حکومتی، دولتی، مردم، دانشوران، مدارس عمده، شخصیت‌های برجسته، با زبان فارسی انجام می گرفت. انگلیس‌ها آمدند زبان فارسی را با زور در هند ممنوع کردند، زبان انگلیسی را رائج کردند. شبه‌قاره‌ی هند که یکی از کانون های زبان فارسی بوده، امروز در آنجا زبان فارسی غریب است؛ اما زبان انگلیسی، زبان دیوانی است؛ مکاتبات دولتی با انگلیسی است، حرف زدن غالب نخبگانشان با انگلیسی است – باید انگلیسی حرف بزند – این تحمیل شده. در همه‌ی کشورهائی که انگلیس‌ها در دوران استعمار در آنجا حضور داشتند، این اتفاق افتاده است؛ تحمیل شده است.»

۴- با توجه به این نکته که : هر زبانی «طبیعی است که با خود فرهنگی را حمل می‌کند»؛ ما دچار دو اشکال اساسی شده ایم:

(الف) «باید اعتراف کنیم که در کار زبان فارسی تقصیر شده است.» زبان فارسی آن رشدی را که باید در دنیا پیدا می کرد، پیدا نکرد. در صورتی که زبان فارسی، فرهنگ غنی‌ای را که عمدتاً هم فرهنگ اسلامی است، با خودش می‌برده است؛ «یعنی اسلام در این منطقه‌ی شرق عالم، از شبه قاره گرفته تا چین و تا هر جای دیگر که رفته، با زبان فارسی رفته است.» «زبان فارسی توانسته است در ایران، بیشترین تلاش را برای گسترش و تحکیم اسلام انجام دهد. اسلام، به زبان عربی وارد ایران شد؛ اما به زبان فارسی ترویج پیدا کرد و در طول قرن‌های متمادی بیشترین معارف اسلامی و سخنان حکمت آموز به وسیله ایرانیان فارسی زبان در میان ملت‌ها انتشار یافت، بنابراین زبان فارسی در این بخش از جهان از حقوق واضحی در جهت گسترش اسلام و فرهنگ و تمدّن بشری برخوردار است ... اکنون زبان فارسی بهترین حامل و رسانه برای معارف، افکار، نوآوری و تمدّن عمیق اسلامی محسوب می‌شود و بر این اساس وظیفه ما در قبال زبان فارسی بسیار سنگین است.»

(ب) ترویج زبان بیگانه به دست خودمان : «ما به کودکان دبستانی، از کلاس اول – یا حتی پیش‌دبستانی – زبان انگلیسی یاد بدهیم؛ چرا؟ وقتی بزرگ شدند، هر کس نیاز دارد، می‌رود زبان انگلیسی را یاد می‌گیرد. چقدر دولت انگلیس و دولت امریکا باید پول خرج کنند تا بتوانند این‌طور آسان زبان خودشان را در میان یک ملت بیگانه ترویج کنند؟ ما برای ترویج

زبان فارسی چقدر در دنیا مشکل داریم؟ خانه‌ی فرهنگ ما را می‌بندند، عنصر فرهنگی ما را ترور می‌کنند، ده جور مانع در مقابل رایزنی‌های فرهنگی ما درست می‌کنند؛ چرا؟ چون در آن‌جا زبان فارسی یاد می‌دهیم. ولی ما بیاییم به دست خود، مفت و مجانی، به نفع صاحبان این زبان – که مایه‌ی انتقال فرهنگ آن‌هاست – این کار را انجام دهیم!»

«لان آموزش زبان انگلیسی خیلی رواج پیدا کرده. آموزشگاه‌های فراوانی به‌وجود می‌آورند. خب، مراکز آموزش هست؛ همه‌ی کتابهای آموزش که خیلی هم با شیوه‌های جدید و خوبی این کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی تدوین شده، منتقل‌کننده‌ی سبک زندگی غربی است، سبک زندگی انگلیسی است. خب این نوجوان ما و جوان ما که این را می خواند، فقط زبان یاد نمی‌گیرد؛ حتی ممکن است آن زبان یادش برود، اما آنچه بیشتر در او اثر می‌گذارد آن تأثیری است که بر اثر خواندن این کتاب از سبک زندگی غربی در وجود او به‌وجود می‌آید؛ این از بین نمی‌رود.»

۵- چند آسیب جدی در رفتارهای خودمان:

(الف) ننگ آمدن از بکار نبردن کلمات فرنگی و بکار بردن کلمات فارسی یا عربی.

(ب) نوشتن اسم فارسی با خط لاتین. («خب چرا؟ چه کسی می‌خواهد از این استفاده کند؟ آن کسی که زبانش فارسی است یا آن کسی که زبانش خارجی است؟»)»

(ج) نوشتن اسم های فرنگی روی محصولات تولید شده‌ی داخل ایران. («چه داعی داریم ما این کار را بکنیم؟ بله، یک‌وقت شما یک محصول صادراتی دارید، آنجا در کنار زبان فارسی – فارسی هم باید باشد البته؛ هرگز نبایستی از روی محصولات ما زبان فارسی برداشته بشود – البته زبان خارجی هم به آن کشورهایی که خواهد رفت، اگر زبان دیگری دارند نوشته بشود، اما محصولی در داخل تولید می‌شود، در داخل مصرف می شود، چه لزومی دارد؟»)»

(د) نوشتن تعبیرات فرنگی در اجناس و جاهای مختلف؛ مثلاً روی کیف بچه‌های دبستانی و روی اسباب بازی‌ها یا نام شرکت و نام مغازه!

(ه) «لان شما در ایران سوار هواپیما می‌شوید و می‌بینید کسی که در برج‌مراقبت هست و یک ایرانی است، با این خلبان که او نیز یک ایرانی است، حتماً انگلیسی حرف می‌زند! بنده گفتم در آن هواپیمایی که من سوار می‌شوم، این کار ممنوع است! چرا فارسی حرف نمی‌زنند؟! آخر یک وقت هست که شما با یک برج بیگانه – که او مثلاً چینی است و شما فارس هستید و زبان یکدیگر را نمی‌دانید – از زبان مشترک انگلیسی استفاده می‌کنید؛ اما بنده مثلاً به مشهد که می‌روم، به چه مناسبت شما انگلیسی حرف می‌زنید؟!»

۶- غیر از نهادهای مسئولی مانند «شورای عالی انقلاب فرهنگی» ، «صدا و سیما» و «فرهنگستان زبان و ادب فارسی»، ما هم به عنوان مردم وظایفی در قبال زبان فارسی داریم:

– استفاده از لغات معادل در زبان فارسی؛ مانند رایانه، پیامک و …

– عدم خرید تولیدات داخلی که بر روی آن ها عنوان غیر فارسی درج شده است.

– استفاده از متن فارسی در انتقال پیامک ها (که الحمدلله تا حدود زیادی اتفاق افتاده است).

– تذکر (امر به معروف) به صاحبان شرکت، مغازه و … که از عناوین خارجی برای نام خود استفاده می کنند.

۱- تمام عبارات نقل قول («…») عیناً در بیانات امام خامنه‌ای ذکر شده است.

۲- در این نوشته از بیانات امام خامنه ای در دیدارهای زیر استفاده شده است:

دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۷۰/۱۱/۲۷) – دیدار اعضای دومین مجمع بین‌المللی زبان فارسی (۱۳۷۲/۱۲/۱۲) – دیدار جوانان استان اصفهان (۱۳۸۰/۸/۱۲) – دیدار جمعی از معلّمان استان کرمان (۱۳۸۴/۲/۱۲) – اجتماع مردم پایه (۱۳۹۰/۷/۲۵) – دیدار جوانان استان خراسان شمالی (۱۳۹۱/۷/۲۳) – دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۲/۹/۱۹)



رهنمود

مجبور شوند فارسی یاد بگیرند!

از پیشرفت علمی در کشور برای گسترش و نفوذ زبان فارسی استفاده شود. زبان خیلی مهم است برادران و خواهران عزیز! اهمیت زبان ملی یک کشور برای خیلی‌ها هنوز دانسته و شناخته نیست. زبان فارسی باید گسترش پیدا کند. باید نفوذ فرهنگی زبان فارسی در سطح جهان روزبه‌روز بیشتر شود. فارسی بنویسید، فارسی واژه‌سازی کنید و اصطلاح ایجاد کنید. کاری کنیم که در آینده، آن کسانی که از پیشرفت‌های علمی کشور ما استفاده می‌کنند، ناچار شوند بروند زبان فارسی را یاد بگیرند. این افتخاری نیست که ما بگوئیم حتماً زبان علمی کشور ما فلان زبان خارجی است. زبان فارسی اینقدر ظرفیت و گنجایش دارد که دقیق‌ترین و ظریف‌ترین علوم و دانش‌ها می‌توانند با این زبان بیان شوند.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه ۹۲/۵/۱۵

این افتخار نیست ننگ است!

بنده از پیش از انقلاب، از اینکه واژه‌های بیگانه بی‌دریغ در دست و زبان مردم ما به کار می‌رفت و به آنها افتخار می‌کردند – کأنه کسی اگر چنانچه یک مطلبی را با یک تعبیر فرنگی بیان کند، این را یک افتخاری می‌دانست – همیشه رنج می‌بردم؛ متأسفانه تا امروز هم این باقی است! خیلی از سنت‌های غلط پیش از انقلاب، با انقلاب از بین رفت؛ این یکی متأسفانه از بین نرفت! یک عده‌ای کأنه افتخار می‌کنند که یک حقیقتی را، یک عنوانی را با یک واژه‌ی فرنگی بیان کنند؛ در حالی که واژه‌ی معادل فارسی برای آن عنوان وجود دارد، دوست می‌دارند از تعبیرات غربی استفاده کنند؛ بعد حالا یواش یواش این دیگر به دامنه‌های گسترده‌ای در سطوح پائین و سطوح عوامانه هم رسیده، که واقعاً رنج‌آور است.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه ۹۲/۵/۱۵

خیلی نگرانم…

من خیلی نگران زبان فارسی‌ام؛ خیلی نگرانم… من می‌بینم کار درستی در این زمینه انجام نمی‌گیرد و تهاجم به زبان زیاد است. همین‌طور دارند اصطلاحات خارجی [به‌کار می‌برند]. ننگش می‌کند کسی که فلان تعبیر فرنگی را به کار نبرد و به جایش یک تعبیر فارسی یا عربی به کار ببرد؛ ننگشان می‌کند. این خیلی چیز بدی است… ما در کانون زبان فارسی، داریم زبان فارسی را فراموش می‌کنیم؛ برای تحکیم آن، برای تعمیق آن، برای گسترش آن، برای جلوگیری از دخیل‌های خارجی هیچ اقدامی نمی‌کنیم. یواش یواش [در] تعبیرات ما یک حرف‌هایی می‌زنند – هر روزی هم که می‌گذرد یک چیز جدیدی می‌آید – ما هم نشنفته‌ایم. گاهی می‌آیند یک کلمه‌ای می‌گویند، بنده می‌گویم معنای آن را نمی‌فهمم ، می‌گویم معنای آن چیست؟ معنا [که] می‌کنند، تازه ما اطلاع پیدا می‌کنیم که این کلمه آمده؛ [این] یواش یواش کشانده شده به طبقات و توده‌ی مردم؛ این خطرناک است.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۹۲/۹/۱۹

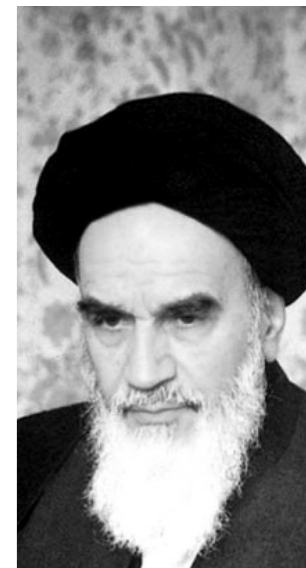
فارسی با خط لاتین!! چه لزومی دارد؟

اسم فارسی را با خط لاتین می‌نویسند! خب چرا؟ چه کسی می‌خواهد از این استفاده کند؟ آن کسی که زبانش فارسی است یا آن کسی که زبانش خارجی است؟ اسم فارسی با حروف لاتین! یا اسم‌های فرنگی روی محصولات تولید شده‌ی داخل ایران که برای من عکس‌هایش را و تصویرهایش را فرستادند! خب چه داعی داریم ما این کار را بکنیم؟ بله، یک‌وقت شما یک محصول صادراتی دارید، آنجا در کنار زبان فارسی – فارسی هم باید باشد البته؛ هرگز نبایستی از روی محصولات ما زبان فارسی برداشته بشود – البته زبان خارجی هم به آن کشورهایی که خواهد رفت، اگر زبان دیگری دارند نوشته بشود، اما محصولی در داخل تولید می شود، در داخل مصرف می شود، چه لزومی دارد؟ روی کیف بچه‌های دبستانی چه لزومی دارد که یک تعبیر فرنگی نوشته بشود؟ روی اسباب بازی‌ها همین‌جور؛ من واقعا حیرت می‌کنم.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۹۲/۹/۱۹

آدم استعماری

بیانات در جمع پیشه وران اصفهان - ۵/۸/۲۱



یکی از مسائلی که ما مبتلا هستیم این است که می ترسند این ها که اگر یک وقت بگویند که ما خودمان هم یک چیزی هستیم، خوف دارند بگویند ما آدمیم. از مسائلی که مبتلا ما به آن هستیم آدم عبارت از آن است که چهار تا کلمه مثلاً فرنگی یاد بگیرد، و دو سه دفعه هم که تو صحبت هایش می شود، در هر چند کلمه ای یک کلمه فرنگی جایش بگذارد. شما نطقاً را ببینید. هر کس بیشتر الفاظ فرنگی در کلماتش باشد این بسیار دانشمند است! دانشمندی را به این می دانند که چند تا کلمه فرنگی در کلماتش باشد. این برای این است که نطقاً هم استعماری است. خودش آدم استعماری شده است. شما بروید در امریکا. این هایی که صحبت می کنند ببینید. یک کلمه فارسی در تمام صحبت هایشان، در تمام کتاب هایشان اگر پیدا کردید؟! لکن ما کتاب وقتی می نویسیم، اسم هم که می گذارند اسمی باشد باید فرنگی بگذارند. در بینش هم تا چند تا اسم فرنگی، با حروف لاتین هم جایش نگذارند فایده ندارد. برای اینکه هم مشتری بیشتر پیدا می شود، هم این آقا بیشتر معروف می شود به اینکه خیلی دانشمند است. یک چند تا ایسم بگذارد، دیگر تمام است مطلب. و هر چه هم مطلبش، تهی باشد از مغز با همین ها جبران می شود.. ما تا خودمان را پیدا نکنیم، لغت خودمان را استعمال نکنیم - نگویید که لغت عربی هم از ما نیست؛ لغت عربی از ماست؛ لغت عربی لغت اسلام است؛ اسلام از همه است؛ آن که از ما نیست این ایسم هایی است که ما را به گرفتاری انداخته - تا نویسندگان ما از این دام بیرون نروند، گویندگان ما از این دام بیرون نروند، کتاب های ما تظهير نشود، خیابان های ما اسمانش تغییر نکند، اجناس ما را اسم کذایی روی آن نگذارند - دواها را خودشان درست می کنند، و اسم فرنگی روی آن می گذارند - تا ما خودمان را پیدا نکنیم، و مغزهایمان عوض نشود، نمی توانیم مستقل بشویم. در هیچ چیز نمی توانیم مستقل بشویم. باید ما از حالا بنا بر این بگذاریم که خودمان آدم باشیم. با لغت خودمان حرف بزنیم، و با علم خودمان.

نهایت انحطاط

در مهد زبان فارسی - یعنی ایران - کسانی که متصدیان امور بودند، از زبان فارسی تبری می جستند! این نهایت انحطاط است. عده ای راجع به تغییر خط حرف می زدند و عده ای در مورد به کار بردن لغات و اصطلاحات فرنگی افتخار می کردند و خودشان را در مقابل آن کوچک می دانستند! آن جایی هم که می خواستند فارسی سازی کنند، حتی لغت سازی فارسی شان نوعی اظهار ارادت به لغت بیگانه بود! واقعا از چیزهای عجیبی که انسان مشاهده می کند، این که یک دستگاه لغت سازی در ارتش زمان شاه وجود داشت؛ آنها می نشستند و لغتی را از لغتنامه ی کهن فارسی انتخاب می کردند که یک نوع شباهتی به زبان خارجی داشته باشد! گاهی هم لغت فارسی جعل می کردند؛ لغت سازی می کردند. البته لغت سازی، کار جایزی است؛ به شرط این که آن کسی که لغت سازی می کند، صلاحیت این کار را داشته باشد - اشکالی ندارد، پیشرفت زبان است - اما آنها صلاحیت داشتند یا نداشتند، کاری ندارم؛ لیکن لغت سازی شان با توجه به لغت خارجی بود! «تک» را در مقابل «آتک» و برای تقلید از «آتک» می آوردند! «چالش» را برای تقلید از «چلنج» می آوردند! این طور لغت سازی می کردند. از این قبیل، زیاد است و شاید اگر کسی واقعا دنبال کند، بتواند یک دفتر از این گونه لغتهایی که عمدتاً بر محور لغت انگلیسی می گشته، بیاید. خوب؛ وقتی که در مهد زبان فارسی، زبان فارسی این گونه مورد بی اعتنایی است که بلد نیستند درست فارسی حرف بزنند، انتظار پیشرفت آن بیجا است!

بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان ۸۵/۸/۱۸

السابقون

قرار گاهی که آماده نبود



قرارگاه آماده شد. محمود از گرد راه رسید. منتظر ماندیم بیاید داخل. نیامد. از همان دم در، داخل را خوب نگاه کرد و برگشت. گفتم: کجا؟! مگه نمی خواهی افتتاحش کنی؟ گفت: قرار گاهتون هنوز آماده نیست. با تعجب گفتم: آماده نیست؟ دور و برم را نگاه کردم. نقشه ها، کالک، بیسیم، ضبط، تخت، پتو و هر چه که یک قرار گاه تاکتیکی باید داشته باشد، بود. رفتم بیرون. گفتم: منظور ت چیه حاجی که میگی آماده نیست؟ داشت می رفت سراغ ماشینش. گفت: تو این قرارگاه، هم یه چیزی کم داریم و هم اینکه نداریم. پرسیدم چی؟ درب سمت شاگرد را باز کرد، سرش را برد داخل. بیرون که آمد بین دست هایش عکس امام بود...

نقل از کتاب ساکنان ملک اعظم. خاطرات سردار شهید محمود کاوه.

تخریب فرهنگ های بومی

تقلید از غرب برای کشورهایی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورد؛ حتی آن کشورهایی که به ظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده ی فرهنگ هاست. هر جا غربی ها وارد شدند، فرهنگ های بومی را نابود کردند... هر جا انگلیس ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند. در شبه قاره ی هند، زبان فارسی چند قرن زبان رسمی بود... انگلیس ها آمدند زبان فارسی را با زور در هند ممنوع کردند، زبان انگلیسی را رائج کردند. شبه قاره ی هند که یکی از کانون های زبان فارسی بوده، امروز در آنجا زبان فارسی غریب است؛ اما زبان انگلیسی، زبان دیوانی است؛ مکاتبات دولتی با انگلیسی است، حرف زدن غالب نخبگان شان با انگلیسی است - باید انگلیسی حرف بزنند - این تحمیل شده. در همه ی کشورهایی که انگلیس ها در دوران استعمار در آنجا حضور داشتند، این اتفاق افتاده است؛ تحمیل شده است.

بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان ۸۵/۸/۱۸

انسیرون

انس با ولی / شماره ی ۵۳ / اردیبهشت ۹۳
ویژه نامه ی پاسداشت زبان فارسی
گروه فرهنگی یاران خمینی (ه)

انسیرون

انس با ولی - شماره ۵۳ - اردیبهشت ماه ۱۳۹۳
ویژه نامه ی پاسداشت زبان فارسی

گروه فرهنگی یاران خمینی (ه)
YARAN.INFO

فارسی با خط لاتین؟؟

تخریب فرهنگ های بومی

آدم استعماری

قرارگاهی که آماده نبود

salam . kojaei?

نگران زبان فارسی ام!

کار درستی در این زمینه انجام نمی گیرد و تنهاجم به زبان زیاد است

امام خامنه ای (مدظله)